



عشاق منتظریار

اسماعیل فردوسی پور، روزی از کمیته استقبال از تهران زنگ زدند. من مسئول دفتر و تلفن امام بودم. تلفن کننده از تهران، شهید مظلوم آیت الله دکتر بهشتی بود. فرمود برای ورود امام برنامه‌هایی تنظیم شده، برای اینکه امام در جریان باشند به عرض شان برسانید... فرودگاه را فرش و چراغانی می‌کنیم...



رعایت آداب معاشرت اسلامی در لحظه ورود

سید احمد خمینی روایت کرد: پس از اینکه هواپیما نشست، شهید مطهری و آیت الله پسندیده سوار شدند. وقتی آیت الله پسندیده وارد هواپیما شد، پس از سال‌ها دوری، با امام خمینی دیدار کرد و لحظاتی در کنار او به گفت‌وگو نشست. لحظه رفتن که فرا رسید، حضرت امام فرمودند آقا (آیت الله پسندیده) باید جلو بروند و من پشت سر ایشان می‌روم. عرض کردم: مردم چهارده سال است که انتظار این لحظه را می‌کشند، خبرنگاران و عکاسان داخلی و خارجی منتظرند تا این لحظه تاریخی را به تصویر بکشند. هرچه اصرار کردم فایده‌ای نداشت، سرانجام راهی به ذهنم رسید. به عموی بزرگوارم پیشنهاد دادم که ایشان با جمعی از همراهان امام که از پاریس آمده بودند از هواپیما پیاده شوند و به جمعیت حاضر در سالن استقبال بپیوندند و بعداً امام پیاده شوند. به همین ترتیب عمل شد و بالاخره امام حاضر نشد یکی از آداب معاشرت اسلامی را نادیده بگیرد و از برادر بزرگ خویش جلو بیفتد، ولو آنکه در چنین شرایطی استثنایی که میلیون‌ها چشم به آن دوخته است، قرار داشته باشد.



گروه پیشمرگ

بخش بزرگی از نیروی انتظامات کمیته استقبال در دو سه لایه در سراسر مسیر حرکت خودروی امام به صف شدند. لایه اول نیروها نقش پیشمرگ را داشتند. انتظاماتی که در خیابان‌ها جلوی جمعیت قرار می‌گرفتند، نقش پیشمرگ‌ها را بازی می‌کردند. به این نیروها اعلام شد قبل از رسیدن خودروی امام، چند موتور و ماشین به صورت پیشقراول عبور می‌کنند که این کار برای اطلاع از عبور قریب الوقوع امام از مسیرهای تعیین شده انجام شد. تعداد قابل توجهی از نیروی انتظامات که در گروه‌های کوچک نری سازماندهی شده بودند نیز به صورت نامحسوس نقش نیروی مخفی را داشتند. این نیروها با رویان سبز کوچکی که به یکی از بازوهایشان نصب شده بود از بقیه اعضای کمیته استقبال قابل تشخیص بودند.



روز به یادماندنی انقلاب اسلامی

استقبال انقلابی

صادق رخ‌فرد
نویسنده و پژوهشگر



یکی از مهم‌ترین ارکان انقلاب اسلامی رسانه بود؛ عنصری که موجب پیوستگی بیشتر مردم، امید گرفتن و افزایش مشارکت در انقلاب اسلامی شد؛ مشارکتی که به صورت معناداری نسبت به دیگر انقلاب‌های کبیر در تاریخ بیشتر بوده است. در این میان، لحظه ورود امام خمینی پس از نزدیک به ۱۵ سال حبس و تبعید، جذابیت فوق‌العاده‌ای برای اصحاب رسانه از جمله عکاسان داشته است. اینک، پس از ۴۵ سال هنوز بسیاری از این تصاویر جذابیت فراوانی دارد. از این رو به سراغ بایگانی تصاویر عکاسانی همچون مجتبی رضوانی، سبحان قلی‌کهنایی، بروم شاهمیرزاییان و حسین شرکت‌رقتیم و تلاش کردیم تصاویر کمتر دیده شده را برای شما برگزینیم.



شور، اشتیاق و میهمان‌نوازی مردم

محمدرضا اعتمادیان از اعضای گروه استقبال که مسئولیت برنامه‌ریزی برای استقبال از میهمان‌های امام را برعهده داشت به شور و اشتیاق مردم برای پذیرایی میهمانان در منازل خود اشاره کرده و می‌گوید: «صاحب منزلی در خیابان فخرآباد برای پذیرایی از ۱۰ نفر اعلام آمادگی کرده بود که ما گروهی را به آدرس آنها فرستادیم، یک ساعت بعد صاحبخانه زنگ زد و گفت میهمان‌ها نیامدند که شما یک گروه دیگر بفرستید. ما نیز یک گروه دیگر را راهی کردیم که این گروه نیز به منزل او نرسیدند. وقتی او مجدداً با ما تماس گرفت، شرمند شدیم و گروه دیگری فرستادیم، ولی این گروه نیز به منزل او نرفتند. ما بار دیگر شرمند شدیم، زیرا وی وسایل پذیرایی و حتی شام هم تهیه کرده بود. خلاصه ما بیش از ۶ گروه فرستادیم که هیچ‌کدام به مقصد نرسیدند. واقع امر این بود که عده‌ای از مردم نزدیک مدرسه ایستاده و میهمان‌های شهرستانی را به منزل خودشان می‌بردند و اجازه نمی‌دادند میهمان‌ها به آدرس‌هایی که برایشان در نظر گرفته می‌شد مراجعه کنند؛ آنها می‌گفتند حالا به منزل ما برویم، جاداریم و ماشین نیز آورده‌ایم. آن فرد، مجدداً در ساعت ۱۱:۳۰ شب زنگ زد و گفت تاکنون میهمان‌های شما نرسیده‌اند، گفتیم هر چه میهمان می‌فرستیم آنها را در راه می‌برند.»



خطری که رفع شد

محسن رفیق دوست می‌گوید: «مسئولیت حفاظت از جان حضرت امام به بنده واگذار شده بود، ولی یک روز هنگامی که داشتیم گروه محافظان جان امام را تشکیل می‌دادیم از پاریس تماس گرفتند که حفاظت از امام را به مجاهدین خلق واگذار کنید. به گمانم این پیشنهاد را دکتر یزدی مطرح کرده بود. این در حالی بود که ما برنامه‌ریزی کرده بودیم و حتی از شهید بزرگوار محمد بروجردی که از چریک‌های قبل از انقلاب بود و من به وسیله شهید عراقی با ایشان آشنا شده بودم، دعوت کرده بودیم تا در این کار ما را یاری کند. او هم حدود ۴۰ الی ۵۰ نفر از مبارزان را دور خود جمع کرده بود تا برای این کار سازمانی ترتیب دهد و به این ترتیب واگذاری حفاظت از امام به مجاهدین خلق منتفی شده بود.»

